

ماهنامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

فرخنده باد پنجاه و سومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر شادباش زیر را برای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ارسال داشته است .

رفقای عزیز ! کمیته مرکزی حزب توده ایران از جانب خود و تمام اعضای حزب ما بمناسبت پنجاه و سومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر بشما و از طریق شما به تمام کمونیستهای شوروی و تمام خلق قهرمان شوروی صمیمانه و برادرانه شاد باش میگوید .
حزب کمونیست اتحاد شوروی که لنین بزرگ آنرا بنیاد، نهاد پس از انقلاب پیروزمندانه اکتبر ساختمان سوسیالیسم را در کشور شوراهای پیایان رساند و اکنون مردم شوروی را بسوی ایجاد عالیتین جامعه بشری - بسوی کمونیسم رهنمون است .
دنباله در صفحه ۲

جشن مهرگان - روز تأسیس حزب توده ایران

دهم مهر ماه ۱۳۲۰، روز جشن مهرگان، روز تأسیس حزب توده ایران است. هر ما نخستین اجاگر این جشن که سنال می است. هزمانی این جشن با بیدایش حزب ما دارای محتوی تاریخی عمیقی است. بر حسب روایات باستانی روز مهر - از ماه مهر (موافق با شانزدهم مهر ماه)، خیزش کاوه آهنگر به پیروزی رسید و ضحاک دژخیم در دماوند زندانی شد. حزب ما که پرچمدار جنبش خلقی معاصر یعنی جنبش پرولتاری انقلابی است، با اندک تغییر در تاریخ (دهم مهر بجای شانزدهم مهر) تأسیس خود و جشن مهرگان را همراه کرد. محافل ارتجاعی. بعد ها کوشیدند جشن مهرگان را از این آرایش خلقی و انقلابی عاری کنند و بخود اختصاص دهند، ولی جشن کاوه و پرچم کاوه بحق متعلق به آن نیروی اجتماعی است که به آرمان عدالت اجتماعی باورمند و وفادار است و آن نیرو، حزب توده ایران است .
اکنون ۲۹ سال از تاریخ حزب توده ایران میگذرد و طی این مدت کارنامه این حزب بقیه در صفحه ۳

در گذشت یک رجل سیاسی برجسته

روز ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۰، جمال عبدالناصر رئیس جمهوری متحده عرب، بعد از ۵۲ سال زندگی سر تا پا مبارزه و ۱۸ سال رهبری کشور تاریخی فراعنه در گذشت و با مرگ خود، نه تنها ملت مصر و خلقهای عرب بلکه تمام ملل و خلقهای دوستدار آزادی و ترقی را در اندوه بی پایان فرو برد .
اگر گفته شود جمال عبدالناصر، بعد از صلاح الدین ایوبی برجسته ترین و نام آورترین رجل سیاسی و اجتماعی جامعه عرب است، مبالغه نیست. انقلاب ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۲ به رهبری جمال عبدالناصر، به قرنهای بردگی و عقب ماندگی ملت مصر پایان داد و دوران نوینی، در تاریخ این ملت باستانی آغاز کرد. از دوران باستانی فراعنه که بگذریم، تا
دنباله در صفحه ۲



پاسخ کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام

به شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت بیست و پنجمین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام کمیته مرکزی حزب توده ایران !
رفقای عزیز !

از جانب حزب زحمتکشان ویتنام، طبقه کارگر و مردم ویتنام، از شادباشهای صمیمانه شما بمناسبت بیست و پنجمین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام، صادقانه تشکر میکنیم .

ما این فرصت را مغتنم میشماریم تا مراتب سپاسگزاری عمیق خود را بمناسبت پشتیبانی پرشور حزب توده ایران و مردم ایران از ییکار مردم ویتنام علیه تهاجم امپریالیسم امریکا در راه آزادی ملی و ساختمان سوسیالیسم ابراز داریم .

باشد که همستگی و دوستی میان احزاب ما و خلقهای ما بیش از پیش تحکیم یابد و گسترش پذیرد .
با درود برادرانه
کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام

روش خطرناک

از مدتی پیش عناصر چپ رو و چپ نمایی که رهبری کنفدراسیون و برخی از سازمانهای دانشجویی وابسته به آنها عصب کرده اند مخالفان مشی نا درست و زیان بخش خود را به «اخراج» تهدید میکنند . در گذشته اخیر کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در آلمان غربی این عناصر توانستند بیهانه «مبارزه با عناصر سازشکار» ماده ای را بتصویب رسانند که گام جدیدی در راه عملی ساختن این توطئه محسوب میگردد. وبالاخره

این تهدید و توطئه - تا آنجا که ما اطلاع داریم - تاکنون در دو سازمان دانشجویی در آلمان غربی بمرحله عمل وارد شده و چند نفر از اعضای این سازمانها «اخراج» شده اند . بدین ترتیب عناصر چپ رو و چپ نما با اتحاد نامقدس خود کنفدراسیون را وارد مرحله جدید و در عین حال خطرناکی کرده اند .

دفاع از اصول

دخالت ما در این امر فقط بخاطر دفاع از اصول دموکراتیک در جنبش دانشجویان ایرانی است که ما همواره به سرنوشت آن علاقه خاص داشته ایم و داریم . وگرنه ما
دنباله در صفحه ۳

«تجربه دموکراسی!»

برای توجیه استبداد رژیم، سخنگویان تازه ای با تکیه بر استبدالات تازه وارد صحنه شده اند . علت نیز روشن است : تقلا برای آرایش سیاسی رژیم خودکامه، از طریق تشکیل احزاب دولتی، مطبوعات دولتی و مجلس منضبط، به ثمر نرسیده و نه تنها در داخل کشور کسی به این ادعا باور نکرد، بلکه در خارج ایران نیز افکار عمومی جهان در ورای دود تبلیغات بیش از پیش به چگونگی ماهیت احزاب و

مجلس و مطبوعات فرمایشی بی بردند. از اینجهت سخنگویان حکومت بجای تکرار این ادعای باور نکردنی که «در کشور ما دموکراسی وجود دارد»، در صدد تفسیر تازه ای از دموکراسی برآمده اند . روزنامه کیهان در شماره های ۲۷ مرداد و اول شهریور، انتخابات انجمن های استان ها و شهرستانها را دستاویز بحث تازه ای در باره دموکراسی قرار داده است . برای احتراز از طول کلام، نظرات نویسنده کیهان را تا حد امکان با جملات خود او خلاصه میکنیم .
دنباله در صفحه ۴

بازهم درباره سرنوشت یک شعار

نشریه توده «ارگان سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور» شماره ۱۹ مورخ تیر ماه ۱۳۴۹ خود را به بررسی جنبش مسلحانه در کردستان ایران اختصاص داده است . شأن نزول مقالات مندرجه در این شماره فقط دفاع تئوریک از شعار مبارزه مسلحانه و جنگ پارتیزانی نیست . گویا شکست مجدد این تئوری در عمل (نخست در فارس و سپس در کردستان) حتی برخی از هواداران سابق و لاحق را هم به تردید و
دنباله در صفحه ۵

مهواره خودکار «لونا - ۱۶»

جهشی است در پژوهشهای کیهانی
در ماه سپتامبر علم و فن شوروی یک پیروزی برجسته که از بسیار جهات دارای تازگیهای فنی است و مایه اعجاب و تحسین دوست و دشمن شده است، دست یافته اند .
روز ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۰، ساعت هشت و بیست دقیقه بوقت مسکو، مهواره خودکار «لونا-۱۶» پس از ۱۲ روز اجرای یک سلسله مانورهای بفرنج فضائی، با باری از
دنباله در صفحه ۴

در گذشت يك رجل سياسى برجسته

۱ ژوئہ ۱۹۵۲، ملت مصر ہیچگاہ از انقلاب و آزادی بهره مند نبود. تاریخ مصر بیخ جنگها و خونریزیهای بی پایان است. ہاجمین گوناگون، ایرانیہا، یونانیہا، مالیک، ترکیہا، انگلیسہا، ہر یک برای دورانی بن کشور را تحت استیلا داشتند. استیلا بر کپا بر مصر، بیش از سه قرن بطول انجامید. از اواخر قرن نوزدهم، بعد از شکست قیام اعرابی پاشا، انگلیسہا بر مصر استیلا یافتند. جنگ اول جهانی و قیام سال ۱۹۱۹ بہ رہبری سعد زغلول پاشا و حزب وفد بہ استیلا رسمی انگلیسہا پایان داد و در سال ۱۹۲۳ ملت مصر بہ تحصیل قانون اساسی خود توفیق یافت. ولی اعلام قانون اساسی بمعنی اعلام استقلال واقعی مصر نبود. از ۱۹۲۳ تا ۱۹۵۲، قریب سی سال، کشور مصر میدان معارضہ سہ نیرو بود کہ ہر یک با مقاصد معین خود، بہ ستیز با یکدیگر اشتغال داشتند: قدرت استعماری انگلستان، دربار ملک فؤاد و بعد از او فاروق و حزب وفد بہ رہبری مصطفی نجاس پاشا. در انتخابات پارلمانی، ہمیشہ حزب وفد اکثریت کرسی های پارلمان را بدست میآورد. ولی فؤاد و فاروق، ہر بار بعنوانی، با حمایت استعمار گران انگلیسی، این حزب را از عرصہ قدرت بدور میگردند و یکی از دست نشانندگان دربار مصر را بر اریکہ قدرت می نشانند. حزب وفد کہ در نخستین سالهای ایجاد خود، از پشتیبانی وسیع مردم مصر برخوردار بود، در سالهای چہل بتدریج نفوذ و احترام خود را از دست داد و فئودالہا و سرمایہ داران بزرگ زمام امور حزب را بدست گرفتند. در اوائل سالهای پنجاہ کشور مصر میدان تاخت و تاز احزاب، گروہها و قدرتیہائی بود کہ جز بمناقص خویش، بہیچ چیز نمی اندیشیدند. جامعہ مصر در یک بحران بی سابقہ فرو رفته بود. انگلیسہا نہ تنها کانال سوئز را در اختیار داشتند، بلکہ عملاً سیاست داخلی و خارجی مصر را اداره مینمودند. انقلاب ۲۳ ژوئہ ۱۹۵۳ بہ این وضع نابسامان پایان داد و رہبری کشور باستانی مصر را دردست نا ارادہ و نیرومند جمال عبد الناصر، رجل برجستہ ای نہاد کہ تاریخ چہد ہزار سالہ مصر نظیر او را بیاد نہادست.

تاریخ ہجده سالہ اخیر مصر، تاریخ طوفانہا و حوادث بزرگ تاریخی است. تاریخ پیروزیہا و شکست های فراوان است. درباره این حوادث میتوان از زوایای مختلف باظہار نظر های گوناگون پرداخت. ولی یک نکته را نمیتوان انکار کرد. آن نکته اینست کہ ملت مصر در طوفان این حوادث شخصیت تاریخی خود را بتدریج باز یافت، بر پای خویش ایستاد گردن خود را افراخت، و صدای خود را بعنوان یک کشور مستقل و آزاد در جہان طنین افکن ساخت. ہموازات این تحول، شخصیت سیاسی و اجتماعی جمال عبد الناصر رہبر انقلاب ۲۳ ژوئہ نیز بتدریج شکل گرفت و قدم بقدم تکامل یافت. از سرہنگ

ناصر، افسر سادہ ای کہ در ۲۳ ژوئہ ۱۹۵۳ رژیم سلطنتی مصر را سرنگون کرد، در طول سالہا، یک رجل بزرگ سیاسی بوجود آمد کہ بحق او را در عداد رجال بزرگ سیاسی معاصر جہان جای داد، بدہی است کہ ناصر در طول رہبری ہجده سالہ خود از اشتباہات سیاسی و اجتماعی مصون نبود. ولی در حیات این رجل بزرگ، تعیین کنندہ اشتباہات او نیست بلکہ خدمات اوست، تعیین کنندہ جهت گیری عمومی سیاسی و اجتماعی اوست. تعیین کنندہ نتیجہ مشخص و عینی سیاسی و اجتماعی دوران رہبری اوست. برای شناسائی شخصیت ناصر کافی است کہ مصر ۱۹۵۳ با مصر ۱۹۷۰ مقایسہ شود. نہ بطور سطحی بلکہ در مقطع تحولات عظیم اجتماعی، سیاسی اقتصادی و فرہنگی این کشور.

در طول ہجده سال اخیر، دشمنان ناصر او را غالباً بعنوان رہبر یک رژیم دیکتاتوری محکوم میکردند. این یک بیعدالتی در قبال این رجل برجستہ سیاسی است. بدون تردید ناصر در مصر، و در تمام جہان عرب، دارای حیثیت و احترام و قدرت فراوان بود. وی از این حیثیت و احترام و قدرت، برای استقرار یک رژیم دیکتاتوری فردی استفادہ نکرد. او با ہوش تر و عمیق تر از آن بود کہ در این سراسب قدم گذارد.

حزب کمونیست اردن مینویسد:

فداکاری و پیگیری شہادر بسیاری موارد

منبع الہام در مبارزہ دشوار ما بسودہ است

رفقای عزیز!

از طرف کمیٹہ مرکزی حزب کمونیست اردن از نامہ مورخ ۱۵/۱۰/۱۹۷۰ شما و اسنادی کہ بمناسبت پنجاہمین سالگرد تأسیس حزب پرافتخار و قہرمان کمونیست ایران برای ما فرستادہ بودید تشکر میکنم.

شما بیشک شرایط دشوار کار و فعالیت ما را درک میکنید و از اینکه در ارسال پیام تبریک ما بمناسبت پنجاہمین سالگرد حزب کمونیست ایران تأخیر شدہ است ما را خواهید بخشید.

رفقای عزیز! حزب ما جریان مبارزہ دشوار و افتخار آمیزی را کہ تحت رہبری حزب شما انجام میگردد و جانبازیہای بزرگ اعضا، حزب شما و مبارزہ آنان را علیہ عناصر مستبد ارتجاع داخلی، انحصارات نفتی و امپریالیسم جہانی پیوستہ با احترام و تحسین دنبال کردہ است. مبارزہ شما علیہ امپریالیسم و چاکران آن در راه تحقق خواستہای عادلانہ کارگران و دہقانان، اشاعہ اندیشہ های مارکسیسم - لنینیسم در ایران، تشکیل سازمان های دموکراتیک تودہ ای، تأمین دموکراسی و آزادی، صلح و ہمبستگی با تمام ملل ستمکش و بخصوص ہمبستگی شما با ملل عرب کہ ہم اکنون بہ بهای جان بسیاری از اعضای فداکار حزب شما تمام شدہ، وفاداری و دوستی ترازل ناپذیر شما با اتحاد شوروی در تمام طول نیمقرن موجودیت حزب شما سند افتخار آمیزی است کہ ہر کمونیستی میتواند بر آن بیفتد. فداکاری و پیگیری شما در بسیاری موارد منبع الہام در مبارزہ دشوار ما بودہ است. ما پیروزی و کامیابی شما را بدقت دنبال میکنیم و بخوبی میدانیم کہ موفقیت شما در عین حال پیروزی و موفقیت ما در مبارزہ بخاطر ہدف های مشترک برای آزادی ملی از قید صہیونیسم، ارتجاع و امپریالیسم و برای استقرار صلح عادلانہ در منطقہ است. بہترین شادباشہا و آرزو های ما را برای پیروزیہای بیشتر در مبارزہ تان بپذیرید.

دبیر اول کمیٹہ مرکزی حزب کمونیست اردن

فؤاد نصر

دنبالہ از صفحہ ۱

پنجاہ و سومین سالگرد

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

کامیابیہای درخشان مردم شوروی در زمینہ تکامل اقتصاد، علم و فرہنگ و ترفیع سطح زندگی مردم گواہ بارزیست بر ثمر بخشی راہی کہ اکتبر بزرگ آنرا آغاز دستاورد کبہائی اخیر اتحاد شوروی کہ پرواز موفقیت آمیز سفینہ کبہائی «لونا - ۱۶» نمودار برجستہ آنست و بدون در بر داشتن ہیچگونہ خطر جانی برای انسان انجام گرفت نمودار درخشان پایہ رفیعی است کہ علم و تکنیک شوروی بدان نائل آمدہ است. سراسر جہان باین ہنرنمائی دانشمندان، مہندسان و کارگران شوروی بدیدہ تحسین مینگردند.

تمام این کامیابیہای مردم شوروی کہ تحت رہبری حزب کمونیست اتحاد شوروی بدست آمدہ است با مصالح حیاتی بیکار عظیم آزادیبخشی کہ ملل سراسر جہان علیہ امپریالیسم انجام میدہند مطابقت دارد.

اتحاد شوروی کہ از پشتیبانی تمام جامعہ بشری برخوردار است پیوستہ در راه تحقق سیاست صلح مجاہدت مورزد و علیہ امپریالیسم و جنگہنای تجاوز کارانہ آنها مبارزہ میکند و در عین حال بہ مللی کہ در راه آزادی و استقلال ملی مبارزہ مشغولند کمک های مادی و معنوی عظیم متبذل میدارد. دنبالہ در صفحہ ۵

بیک حزب مترقی و پشاهتنگ کوشید. نخستین گذرہ حزب در ۲۳ ژوئہ ۱۹۶۸ تشکیل شد. در این گذرہ حزب بہ انتخاب کمیٹہ مرکزی و کمیٹہ مرکزی بہ انتخاب یک کمیٹہ عالی اجرائی پرداخت. از ۱۹۶۸ تا اکنون گذرہ های این حزب مرتب تشکیل شدہ است. چہارمین گذرہ آن در ۲۳ ژوئہ ۱۹۷۰ تشکیل شد.

دربارہ وجوہ مختلف زندگی و فعالیت سیاسی و اجتماعی جمال عبد الناصر رئیس جمہوری فقید مصر، نمیتوان در یک یا دو مقالہ سخن گفت. شخصیت او بزرگتر و پهنہ عمل او وسیع تر از آنست کہ بتوان با یک نگاہ اجمالی ہمہ وجوہ و جہات آنرا درک کرد.

در ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۰ ملت مصر، بزرگترین و محبوب ترین فرزند خویش را از دست داد. این یک ضایعہ عظیم و جبران ناپذیر است. ناصر در روز ہائی دیدہ از جہان فرو بست، کہ بیش از ہر وقت ملت مصر و خلقهای عرب، بہ رجل برجستہ، صدیق و نیرومندی مانند او نیاز دارند. تاریخ مصر، بیشک نام جمال عبد الناصر را در صدر خدمتگزاران برجستہ و نامدار خویش ثبت خواهد کرد. باشد کہ ہر زمان و ہر اہان این رجل بزرگ، خلایق را کہ بعد از مرگ او بوجود آمدہ است، با درایت و تدبیر پر کند و کشور خویش را در راہی کہ رہبر فقید آن نشان دادہ است، بہ پیش برند. ما برای آنہا آرزوی موفقیت داریم. رامین

جشن مهرگان - روز تأسیس حزب توده ایران

نمودار ماهیت اوست. نقش حزب در بسیج و تشکیل توده‌های وسیع زحمتکشان و برانگیختن آنها به نبرد اجتماعی، در مدافعه بیکر از حقوق حقه کارگران و دهقانان، در ترویج جهان بینی سوسیالیسم علمی، در افشای امپریالیسم و ارتجاع، در دفاع از حقوق خلقهای ایران، در معرفی دستاوردهای کشورهای سوسیالیستی و ایجاد روحیه انترناسیونالیستی آمیخته به مهن پرستی اصیل، انکار ناپذیر است. حزب توده ایران بحق بزرگترین حزب سیاسی تاریخ ایران و انگیزنده عظیم ترین و پرشورترین جنبش محرومترین قشرهای شهری و دهقانی است. از صفوف این حزب گردان و قهرمانانی بنام برخاسته اند. حزب از این جهت شهرت و اعتباری عظیم در نزد خلقهای ایران و مردم جهان کسب کرده است. در جریان پنجاهمین سال حزب تأسیس ایران دهها سازمان پیشاهنگ و نام آور کمونیست و کارگری جهان حزب ما را با چنین صفاتی ستوده اند و این خود واقعیتی است انکار ناپذیر.

حزب توده ایران وارث سوسیال دمو-کراسی انقلابی و حزب کمونیست ایران است یعنی تاریخ او بخشی است از تاریخ جنبش انقلابی کارگری در ایران که بیش از شصت سال از عمر آن میگذرد. این حزب در همه شرایط، خواه در شرایط علنی، خواه مخفی و در همه جا، خواه در کشور و خواه در خارج از کشور پرچم مارکسیسم - لنینیسم، انترناسیونالیسم پرولتاری، وفاداری به آرمانهای انقلابی مردم ایران را افراشته نگاه داشته است و در قبال فشار نیرومند دشمنان از راست و مخالفان از «چپ»، در مقابل سیلاب گل آلود افتراء و انتساب ناروا چون ای استوار ایستاده است.

اخيراً مسئله حزب طبقه کارگر ایران در دست گروهی زمینه انواع سفسطه‌ها قرار گرفته است. بویژه مائوئیست‌های ایرانی که خود را طرفدار مارکسیسم - لنینیسم می‌شمرند تعبیر شکستی در باره حزب طبقه کارگر ایران عرضه میدارند. برخی (مانند گروه «کادرهای انقلابیون توده») اصلاً منکرند که تاکنون در ایران حزب طراز نوین طبقه کارگری بوده و در صدند آن را برای اولین بار بوجود آورند! برخی (مانند گروه «انقلابیون توده») «سوسیال دمو کراسی انقلابی» و «حزب کمونیست ایران» را سازمانهای طراز نوین طبقه کارگر میدانند ولی منکرند که حزب توده ایران چنین سازمانی است. برخی (مانند گروه «طوفان») بخشی از تاریخ حزب توده ایران را بحساب حزب انقلابی مارکسیستی - لنینیستی می‌گذارند، ولی به بخش دیگر برچسب «روزبویسم معاصر» می‌زنند. تردیدی نیست که گذشت زمان از این دعوی و از این مدعیان چیز خاطرهای نامطلوب چیزی باقی نخواهد گذاشت. انکار وجود حزب طراز نوین طبقه

کارگر در ایران، یعنی در سرزمینی که در آن یکی از کهن ترین جنبش‌های انقلابی مارکسیستی - لنینیستی آسیا پدید شده است اهانتی است به مردم ایران و در حکم محروم کردن این مردم از یک سنت مقدس است. دعوی آنکه محافل سوسیال دموکراسی انقلابی و سازمانهای حزب کمونیست ایران جزء حزب طراز نوین طبقه کارگر هستند، ولی حزب توده ایران نیست، دعوی مضحکی است. حزب توده ایران خواه از جهت طول مبارزه، خواه از جهت دامنه وسیع شرکت زحمتکشان در صفوف آن، خواه از جهت تنوع اشکال مبارزه، خواه از جهت تأثیر در مقیاس کشور و جهان، خواه از جهت فعالیت پرتوان برای بخش مارکسیسم - لنینیسم، خواه از جهت ایستادگی قهرمانانه و پرافتخار در قبال دشمنان زنگارنگ داخلی و خارجی، مهمترین و قوی ترین فصل تاریخ حزب طبقه کارگر را در ایران بوجود آورده است. بهر دلیل که سازمانهای پیشین سازمانهای طراز نوین طبقه کارگر نباشند. حزب توده ایران، بشهادت عمل، بشهادت صدها و صدها فاکت تاریخی، بطریق اقوی و اولی چنین سازمانی است.

اما دعوی آنکه حزب توده ایران تنها تا دورانی حزب طراز نوین بوده ولی از آن پس بحزب «روزبویسم معاصر» بدل شده است، خطائی است که از خطای بزرگتر، یعنی از مائوئیسم ناشی میشود. مائوئیست‌ها بجای قبول انشعابگری خود در نهضت جهانی کارگری و مشی ماجراجویانه و غیر مارکسیستی خود در سیاست، بی‌بروا احزاب برادر را که در جاده سنت انقلابی مارکس، انگلس و لنین گام برمیدارند متهم میکنند. به ادعای آنها مقابله با مائوئیسم، یعنی عدول از مارکسیسم - لنینیسم! در این اتهام احزاب برادر و کشورهای سوسیالیستی را در اکثریت مطلق شریک می‌سازند. زمان عیار این دعوی را تاکنون نشان داده و در آینده بنحوی عیان‌تر، چنانکه برای سطحی‌ترین و یا عنودترین افراد نیز جای انکار باقی نگذارند، نشان خواهد داد. حزب ما به سنن خود، به استنباط صحیح و اصیل خود از آموزش مارکس، انگلس و لنین، به انترناسیونالیسم پرولتاری خود، بدوستی خود با حزب بزرگ لنین وفادار بوده و در آینده نیز خواهد بود. حزب توده ایران اینک در ۲۹ - مین سال زندگی خویش از همیشه آزموده‌تر و در سنگر عقاید خود را سخت‌تر و به آینده خود مطمئن‌تر است. سوسیالیسم در جاده تاریخ با گامهای متین و پولادین پیش میرود. امپریالیسم و چا کرانش بیش از پیش زمینه عمل را از دست میدهند. تلاش ارتجاع ایران برای انکار حزب ما و متهم ساختن آن بانواع گناهمائی که در خورد خود اوست بی سر - انجام است. حزب ما زنده است و زنده خواهد ماند و نقش برجسته خود را در دگر-

روش خطرناک

همانطور که بارها متذکر شده ایم مسئولیت رفتار و گفتار کسی را در کشورهای غربی بر عهده نداریم حتی اگر به‌واداری از حزب ما برخیزد. در عین حال چنانکه معلوم است «اخراج شدگان» دارای عقاید گوناگون سیاسی و اجتماعی اند.

دفاع از اصول ما حکم میکند که با هر گونه روشی که با ماهیت ضد امپریالیستی و دموکراتیک جنبش دانشجویی و کنگفرا - سیون، با اصول دموکراتیک حاکم بر شیوه کار سازمانی آن مابین داشته باشد، با هر گونه کوششی برای قلب ماهیت و نقض این اصول مبارزه کنیم، از حقوق تمام آنها که قربانی قلب ماهیت و نقض این اصول میشوند - صرفنظر از عقاید سیاسی و اجتماعی آنان دفاع کنیم (همانطور که از تمام زندان‌یان سیاسی و قربانیان رژیم - صرفنظر از عقاید سیاسی و اجتماعی آنان - دفاع میکنیم) و همه نیروهای دمکرات و مترقی دانشجویی را بمبارزه متحد برای حفظ آن ماهیت و این اصول دعوت کنیم. و بنظر ما روشی را که عناصر چپ رو و چپ نما در پیش گرفته اند نه فقط آن ماهیت و این اصول بلکه موجود - دیت کنگفراسیون را در معرض خطر جدی قرار داده است.

روش ضد کنگفراسیون

عناصر چپ رو و چپ نما هر وقت در گونی انقلابی جامعه ایران ایفا میکنند و بیش از پیش خواهد کرد. یکی از شعارهای مبرم حزب ما عبارت است از بیکار در راه آزادی حزب توده ایران و دیگر سازمانهای دموکراتیک. ارتجاع ایران میکوشد با انواع «استدلال - لات» فلابی روش ضد کمونیستی خود را توجیه کند. علیرغم دعوی سردمداران ارتجاعی که میخواهند خود را سرشار از اعتماد نسبت براه و روش و وضع اجتماعی و تاریخی خود نشان دهند، گریز آنها از اجراء قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر در باره تأمین آزادیها و حقوق دموکراتیک مردم ایران نمودار بارز ضعف و ترس و تزلزل آنهاست. امروز حزب ما بیش از همیشه توجیه و ضرورت رت تاریخی خویش را ثابت کرده است و تنها قدرتی است که میتواند ایران را از کوره راه سرمایه داری نو استعماری و اصول استبدادی و روشهای ضدملی و ضددموکراتیک نجات بخشد و به وی دورنمای فروغناکی برای رشد و ترقی عطا کند.

ما توده ایها، علیرغم دشواریهای موجود باور داریم که همیای تحول نیرومند وضع جهانی، وضع در کشور ما نیز بناچار تحول خواهد یافت. شرط اینکار نبرد خستگی ناپذیر و سرشار از امید و اطمینان همه کسانی است که شیفته آرمانهای بزرگ و انسانی حزب ما هستند. حزب ما پرچم جنبش نبردی را از دست فرو نخواهد هشت.

تنگنا قرار میگیرند میکوشند هر گونه مخالفتی را با روشهای نادرست و زیانبخش خود «مخالفت با کنگفراسیون» جلوه گر سازند. در حالیکه این روش خود آنهاست که سر تا پا ضد کنگفراسیون است.

در کنگره های کنگفراسیون بارها تصریح شده است که کنگفراسیون نه حزب است و نه دارای ایدئولوژی واحد. و این کاملاً درست است. چون تشکیل دانشجویان که از طبقات و قشرهای گوناگون بیرون میآیند و در نتیجه دارای عقاید سیاسی و ایدئولوژی گوناگون اند در یک سازمان دانشجویی، فقط بر پایه منافع خاص دانشجویی و منافع عام سیاسی صورت میگردد. هر گونه تلاش برای تحمیل ایدئولوژی خاص و واحد و انضباط حزبی بر سازمان دانشجویی مفایر با خصلت سازمان دانشجویی و ماهیت دمکراتیک آنست. هر گونه تلاش در این زمینه نه فقط سر انجام با شکست قطعی روبرو میشود، بلکه به تلاشی سازمان دانشجویی منجر میگردد. آیا چپ روها و چپ نماها که میکوشند سیاست و ایدئولوژی خاص و واحدی را به کنگفراسیون تحمیل کنند موجود نقره، بحیران و سپس تلاشی سازمانهای دانشجویی نیستند؟ آیا این روش ضد کنگفرا - سیونی نیست؟

در اساننامه کنگفراسیون صریحاً ذکر شده است که «حقوق اعضای کنگفراسیون چه زن و چه مرد و صرفنظر از مواضع مذهبی و عقیدتی آنها برابر است». آیا ترور افکاری که از طرف چپ روها و چپ نماها صورت میگردد و تلاشی که برای «اخراج» کسا - نیکه با این روش‌های ناقض اساننامه کنگفرا - سیون مخالفت انجام میگردد، در همین راه ضد کنگفراسیون سیر نمیکند؟

در اساننامه کنگفراسیون صریحاً ذکر شده است که هر عضو کنگفراسیون حق انتقاد و اعتراض به تصمیمات ارگانهای بالاتر را تا هیئت دبیران کنگفراسیون دارد. در اساننامه تصریح شده است که هر عضو حق دارد در مقابل پایمال شدن حقوق خود اقدام به اعتراض و رسیدگی نماید. ولی عناصر چپ رو و چپ نما کار را بجائی رسانده اند که حتی با اینکه ظاهراً «اکثریت» هم داشته اند حق دفاع به اخراج شدگان نداده اند. حتی معلوم نکرده اند که «جرم» آنها دقیقاً چیست. خود جرم را تشخیص داده اند، خود «قضات» کرده اند و خود حکم را اجراء کرده اند. آیا این نقض آشکار اساننامه کنگفراسیون نیست؟ آیا این پایمال کردن بدیهی ترین اصول دمکراتیک در هر سازمان دمکراتیک نیست؟ آیا این روش ضد کنگفرا - سیونی نیست؟ آیا آنوقت اگر به این روش ضد دمکراتیک و ضد کنگفراسیون نام «مبارزه با عناصر سازشکار» هم بدهند تغییری در ماهیت امر حاصل میشود؟ آیا تجربه تاریخ بکلی فراموش شده است که توده‌ها به عمل اشخاص، گروهها و سازمانها نگاه میکنند و قضاوت میکنند نه بحرف آنها و ادعای آنها؟

دنباله از صفحه ۱

«تجربه دموکراسی!»

نویسنده کیهان اینطور استدلال میکند: چون در کشور ما هنوز آثار و عوارض فکری و ذهنی فئودالیسم وجود دارد و فئودالیسم با دموکراسی دو پدیده مانع الجمع هستند بنا بر این هنوز دموکراسی نمیتواند چتر حمایت خود را بر جامعه ما بگستراند... وی میافزاید: در جوامعی که از دموکراسی بی بهره اند، شکل بندی افکار و عقاید هنوز صورت نپذیرفته و در نتیجه وجود دموکراسی غربی برای چنین جوامعی بضرر آرامش و امنیتی است که لازمه رشد و تکامل اینگونه جوامع است. از اینجهت در این کشورها وظیفه دموکراسی، تأمین تظاهر تمایلات مختلف و متضاد اجتماعی افراد و طبقات بوسیله سازمانهایی نظیر پارلمان، احزاب، انجمنها و مطبوعات نیست، بلکه تنظیم این تضادها از طریق ایجاد سازمانها (منظور کیهان در شرایط مشخص کنونی، انجمنهای استانها و شهرستانهاست که چگونگی «انتخابات» آن بر همگان روشن است) و احکام قانونی است. کیهان نتیجه میگیرد که چنین مفهومی از دموکراسی فقر فکری و شعور اجتماعی و وجدان سیاسی اکثریت افراد جامعه را جبران میکند و برای رشد سیاسی و فرهنگی افراد ضرورت دارد.

بدین ترتیب روزنامه کیهان بعنوان بلندگوی رژیم برای توجیه رژیم استبدادی، مردم را وارد یک «دور جهنی» میکند: چون دموکراسی نداشته اید، شعور استفاده از دموکراسی را ندارید، چون شعور استفاده از دموکراسی را ندارید، پس شایسته اعطاء دموکراسی نیستید. از این گستاخانه تر نمیتوان مردم توهین نمود. باید نویسنده کیهان را به تاریخ وطنش مراجعه داد، تا به بیند همین مردم بی بهره از دموکراسی در ۶۵ سال پیش چگونه درجه عالی رشد سیاسی و شعور اجتماعی از خود نشان دادند و برای تأمین دموکراسی علیه شاهان مستبد قاجار، به انقلاب مشروطیت دست زدند. اگر روزنامه کیهان راست میگردد و شکل بندی عقاید و افکار هنوز در جامعه ما صورت نگرفته و به تعداد افراد، عقاید و نظرات متفاوت وجود دارد، پس آن خود ستاییها در باره یکپارچگی احزاب فرمایشی رسی یعنی چه و چه نیازی به منع فعالیت قانونی احزاب واقعی و اعلام «انحلال» آنهاست؟ چطور در چنین جامعه ای حزب توده ایران در دوران کوتاه به بزرگترین، متشکل ترین و متنقدترین حزب در مقیاس خاور میانه تبدیل شد و هدف های عالی و مترقی آن چنان در افکار و اذهان ریشه دواند که هیئت حاکمه از بیم گسترش بیشتر حزب، «انحلال» آنرا اعلام نمود؟ حقیقت آنست که تفسیر روزنامه کیهان از دموکراسی تفسیری است سراپا تحریف، متضاد با اعلامیه حقوق بشر و مخالف با قانون اساسی که آزادی اندیشه، گفتار و شکل را از حقوق مسلم افراد اجتماع شناخته و آزادی احزاب، اجتماعات، انتخابات و مطبو-

عات را شرط اساسی اداره جامعه قرار داده است. مفهوم دموکراسی روشن است و نیازی به تفسیر تازه ندارد. دموکراسی حکومت مردم بر مردم است که فقط در جوامع بدون طبقات متخاصم، در عالیترین شکل خود حکومت واقعی مردم را تأمین میکند. و اما در جوامع طبقاتی از آنجا که حکومت نماینده منافع طبقه و یا طبقات حاکم است، دموکراسی پوسته ظاهری و نقاب دیکتاتوری سیاسی و اقتصادی آن طبقه و یا طبقات است، و به بیان دیگر در شرایط وجود طبقات متضاد دموکراسی همراه با دیکتاتوری طبقه و یا طبقاتی است که زمام امور را در دست دارند. و بنا بر این برخلاف ادعای روزنامه کیهان، در جامعه طبقاتی دولت نه میتواند مافوق طبقات قرار گیرد و نه میتواند تنظیم کننده تضاد های موجود میان طبقات باشد. فقط در جامعه فارغ از تضادهای طبقاتی آشتی ناپذیر یعنی در جوامع سوسیالیستی است که دولت نماینده واقعی مردم و تنظیم کننده تضادهای گذرای جامعه است.

بر این اساس در جامعه ای مانند جامعه ایران انکار وجود طبقات و مبارزه طبقاتی، تکیه بر «یوندها و انگیزهها و آرمانهای مشترک» و جلوگیری از تظاهر تمایلات متضاد اجتماعی افراد و طبقات، هدفی جز تخلیه تسلط طبقات حاکم ندارد. نفی ضرورت فعالیت احزاب، سازمانها، اجتماعات، مطبوعات، حتی در پارچوب دموکراسی بورژوائی، و متهم ساختن مردم به فقدان رشد سیاسی و شعور اجتماعی، توجیه خنده آور دیکتاتوری شاه و دعوت مردم به تسلیم در برابر تجاوز هیئت حاکمه بحق خویش است. «آرامش و امنیتی» که روزنامه کیهان برای «تحول» جامعه ضرور می شمارد، در واقع چیزی جز تأمین محیط ایمنی برای متجاوزان بحق مردم و دستبرد به اموال عمومی و حقوق آزادیهای اجتماعی فردی نیست. راز تحول جامعه دارای طبقات بر خلاف نوشته کیهان در برخورد نیروهای گوناگون و عقاید گوناگون، در نبرد طبقات است. این پروسه را نیروهای زوال یابنده میتوانند کنند سازند، میتوانند موقتاً ترمز کنند، اما نمیتوانند آنرا برای همیشه بند کنند.

انتخابات انجمنهای استانها و شهرستانها در شرایطی میتوانست «تجربه دموکراسی» باشد، که کلیه احزاب و سازمانهای سیاسی امکان فعالیت آزاد داشته باشند، تمام اقشار و طبقات مردم بتوانند آزادانه به کاندیداهای مورد نظر خود رأی دهند، کاندیداهای واقعی مردم امکان شرکت در انتخابات داشته باشند. در چنین شرایطی مردم درجه رشد سیاسی و شعور اجتماعی خود را بار دیگر به ثبوت میرسانند. و این میتوانست تجربه آموزنده برای آنها باشد که در عین سلب حقوق مردم به مردم توهین روا میدارند و آنرا فاقد رشد سیاسی میخوانند. اما در شرایط حقیقت کنونی که آزادی عقیده و بیان، آزادی اجتماعات و هرگونه آزادی فعالیت حزبی از مردم سلب شده و قلمها را شکسته و بر زبانها بند نهاده اند این چگونه

دنباله از صفحه ۱

مهواره خودکار «لونا - ۱۶»
جهشی است در پژوهشهای کیهانی

سنگهای «دریای فراوانی» ماه و تنها باشش دقیقه تأخیر نسبت به محاسبات قبلی، در هشتاد کیلومتری شهر «جزقازغان» واقع در ۲۰۰ کیلومتری فرودگاه کیهانی «بابکانور» (کازاخستان شوروی) آرام فرود آمد و بدینسان یک هنرنمایی نوین علمی و فنی شوروی با کامیابی تمام پایان یافت. بار سنگ بلافاصله برای بررسیهای علمی به مسکو انتقال یافت. «لونا-۱۶» از سلسله مهوارههاست که برخی از آنها توانستند در تاریخ فضایی، برای اولین بار به موفقیت هائی دست یابند. از آنجمله «لونا-۳» در سال ۱۹۵۹ برای نخستین بار بخش نهفته ماه را عکاسی کرد و «لونا-۹» در سال ۱۹۶۶ برای اولین بار بآرامی بر سطح ماه نشست و اینک «لونا-۱۶» برای اولین بار، در شب ماه در یک فضای مسطح پائین آمد و بشکل خود کار به عمق ۳۵ سانتیمتر صخره های ماه را در شرایطیک سرمای سخت کیهانی کاوید و در یک محفظه در بسته قرار داد و بار دیگر اوج گرفت و بزمین باز گشت. پرواز فاصله مامزمین را «لونا-۱۶» بدون اصلاح مسیر انجام داد. تازه گهای فنی «لونا-۱۶» متعدداست: مثلاً دانشمندان شوروی موفق شدند در فاصله ۱۱۰ کیلومتری زمین برای نخستین بار مهواره

«تجربه دموکراسی» میتواند باشد؟ درغیبت کلیه احزاب و سازمانهای ملی و مترقی، در شرایط فقدان مطبوعات سخنگوی مردم و زیر نظر شبکه گسترده سازمان امنیت، احزاب دولتی تقلید حزب اکثریت و اقلیت در آوردند و جالب آنکه حزب اکثریت که قبل از انتخابات از زبان نخست وزیر اعلام داشته بود ما قطع داریم در این انتخابات به پیروزی قطعی نائل خواهیم آمد، حتی به حزب فرمایشی اقلیت هم مجال نداد. در همه جا یا کاندیداهای حزب اکثریت سر از صندوق در آوردند و یا کسانی که پذیرفتن عضویت حزب اکثریت را ضامن پیروزی خود در انتخابات کردند، و نام این خیمه شب بازی را گذاردند انتخابات انجمنهای استانها و شهرستانها و اینکه گویا «یکی از بزرگترین آرزوهای مشروطیت» پس از ۶۵ سال تحقق یافته است. در مراسم افتتاح کنگره همین انجمنها شاه مطالبی در باره «دموکراسی» اظهار داشت که در شماره آینده «مردم» ما به بحث در باره آن خواهیم پرداخت.

آنها که مردم را متهم به فقدان رشد سیاسی میکنند دیکتاتوری را برای پوشش اقدامات ضد ملی خود ضرور می شمارند. چون نماینده مردم نیستند از تظاهر اراده مردم بیم دارند. اما هرگز تاریخ نشان نداده است که بتوان ملتی را برای همیشه به بند کشید. ملت ایران دیر زمانی است که شایستگی خود را برای برخورداری از مواهب دموکراسی اصیل بشوئ رسانده و منکرین این شایستگی را هرگز نخواهد بخشود.

مینو

را با سرعتی نرگ بجای مدار بیضی بلافاصله وارد مدار دورانی سازند.

دستگاههای ماوراء دقیق الکترونیک، دستگاههای رهبری از دور، مکانیسم ارتفاع سنجی از دور که بکمک آن نشست دقیق و آرام بر سطح ماه عملی شد، دستگاههای سمت یابی کیهانی، موتورهای خود کار سوخت مایع و شعاعی و دیگر وسایل اتوماتیک «لونا ۱۶» تکامل فنی جالب این مهواره شوروی را نشان میدهد.

مهوارههای خودکار نوع «لونا-۱۶» بنا به تصریح دانشمندان شوروی از بیستالی ۵۰ برابر از کشتهای فضاورد با سر نشین ارزاتر هستند. با این دستگاهها میتوان بدون خطر برای جان انسان، تحقیقات وسیعی درباره جغرافیای ماه، ترکیب پوسته و زیر زمین آن انجام داد. این مهواره ها میتوانند در آینده در مریخ و زهره بشینند و درباره خورشید دنباله در صفحه ۵

دنباله از صفحه ۳

روش خطرناک

نخستین بار نیست که کسانی که در سراسیمه سقوط هستند خطر آنرا دارند که همه کس و همه چیز را با خود ببرند. اگر ما میگوئیم روشی که از طرف عناصر چپ رو و چپ نما برای اخراج مخالفان عقیده ای خود در کنفدراسیون در پیش گرفته شده خطرناک است برای آنست که این خطر وجود دارد که آنها در این سراسیمه سقوط کنفدراسیون را نیز که محصول سالها مبارزه دانشجویان دمکرات و مترقی است بهمراه خود ببرند. تاکنون روشهای چپ روانه و ماجراجویانه، روش ضد توده ای و ضد شوروی لطعات سنگینی به جنبش دانشجویان ایرانی وارد آورده و کنفدراسیون را با تفرقه و تشتت فکری بیسابقه و بحران خطرناکی روبرو ساخته است. اگر به روش جدید اخراج صاحبان عقاید گوناگون داده شود خطر تلاشی کنفدراسیون وجود دارد و مسئولیت آن فقط و فقط بر عهده عناصر منحرفی است که در لباس «چپ» همان سیاستی را تعقیب میکنند که عناصر راست و رژیم سالهاست دنبال میکنند: یعنی تلاشی کنفدراسیون. و اینهم برای اولین بار نیست که اوپورتونیستهای راست و «چپ» سرانجام بهم میرسند.

ما بهمه دانشجویان دمکرات و مترقی هشدار جدی میدهم که با این روش خطرناک بمبارزه جدی برخیزند، بخواهند که عمل غیر قانونی اخراج دانشجویان عضو کنفدراسیون لغو گردد و مرتکبین این اعمال غیر قانونی و ضد دمکراتیک و ناقض اساسنامه کنفدراسیون شدیداً مورد بازخواست قرار گیرند. فقط اتحاد و مبارزه نیروهای دمکرات و مترقی دانشجویی است که خواهد توانست توطئه های عناصر ضد کنفدراسیونی را عقیم گذارد، بر انحرافات «چپ» و راست غلبه کند و جنبش دانشجویان ایرانی را بش از پیش در خدمت جنبش عمومی ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران قرار دهد. م. انوشه

دنباله از صفحه ۱

باز هم در باره سر نوشت يك شعار حتى بمخالفت واداشته و بناچار گردانندگان «توده» را وادار به دفاع از خود کرده و بهمین جهت این ویژه نامه در باره کردستان توجیه نامه از آب در آمده است .

در اینجا قصد ما بررسی تئوریا، ترها و نظریات ضد مارکسیستی و اطلاعات تحریف شده ای نیست که در این نشریه انباشته شده است. منظور ما پلمیک با سازمانی نیست که دیگر فقط از آن نامی باقی مانده آنهم نام غصبی. قصداً آنستکه همانطور که در مقاله «سرنوشت يك شعار» درباره وقایع فارس مندرج در شماره ۳۵ «مردم» نشان دادیم و تا کنون حتی يك کلمه هم در رد آن از طرف مائوئیستهای رنگارنگ ایرانی که از شورش جنوب دفاع میکردند، چیزی نوشته نشده است) از زبان خود این افراد نشان دهیم که چگونه شعاری که بر پایه تجلیل مارکسیستی-لنینیستی پدید نشده باشد در عمل با شکست روبرو میشود و این شکست چه عواقب ناگوار دردناک و خطرناکی برای مجموعه جنبش دارد. این هشدار مجدد ما به آن جوانان با حسن نیت ولی گمراهی است که هنوز بنادرستی این شعار در شرایط مشخص کمونی ایران پی نبرده اند .

تضاد ها و اعترافات

نخست به ستایش توده از «مبارزه مسلحانه در کردستان ایران» در ویژه نامه مربوط به کردستان توجه کنید :

« این جنبش از دهقانان اسلحه بدست تشکیل شد و برخلاف گمانها و شایعات نادرست دارای خصالت عشیره ای نبود و مهمتر از همه اینکه هدفهای آن سیاسی و مترقی بود و به نسبت قیامهای پیشین در درجه پیشرفته تری قرار داشت . » (صفحه ۶)

« ره مبارزه این حقیقت را باز شناخته و در مورد آن قاطعانه وحدت داشته که «قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می آید . » آنها در مبارزه خود نسبت به شاه و حکومت ارتجاعی ایران برخورد قاطع داشتند ، آنرا دشمن خونخوار خلق کرد و همه خلقهای ایران میدانستند . انقلابیون کرد امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا را بدرستی بمتابه دشمن شماره يك خلقهای جهان شناخته بودند . . . در مورد خلقها و نیرو های دیگر اپوزیسیون ایران بر خورد اساسی صحیحی وجود داشت . . . آنها راه مبارزه مسلحانه را انتخاب کرده و بدرستی از روستا شروع کرده بودند . » (صفحه ۱۵) «پیش مرگ ها سطح بالایی از آگاهی سیاسی داشتند . » (صفحه ۱۷)

اینک به ارزیابی دیگر «توده» در همین ویژه نامه مربوط به کردستان توجه کنید : «سیاست آنها برای شکل و بسج توده ها هنوز در مراحل اولیه بود . تشکیلات بر اساس کار فردی گسترش می یافت . دستجمعی کار های تبلیغاتی وسیع هنوز انجام نمی گرفت . از لحاظ نظامی ، استراتژیک و تاکتیک نیز

مراحل ابتدائی خود را می نمود . . . در مجموع استراتژی دفاع پاسیو عملی میشد . . . اصل تمرکز شناخته نبود . . . » (صفحه ۱۶) «شعار عمده جنبش شمار ملی بود و به مسئله مبارزه طبقاتی توجه مشخص نشده بود . به این دلیل بود که هنوز توده های وسیع دهقانان فقیر و بی زمین بدان نیبوسته بودند . » (ص ۱۸) «در اثر فشار زیاد قوای دولتی از یکطرف و نبودن شخصیتی که بتواند رهبری جنبش را خوب در دست بگیرد ، در نتیجه پیدا شدن اختلافات زیاد و نیز بیکار برد تا کنیکهای مانچرا جوانه و سیاست مشوش عمده ای از پیشمرگها بنزد ملا مصطفی فرار میکنند و صفوف پارتیزان ها کم کم متلاشی میشود . » (صفحه ۱۹) «مبارزه مسلحانه به اندازه کافی تدارک نشده بوده است . . . اولین کمبود اساسی در تدارک مبارزه مسلحانه فقدان خط روشن سیاسی کافی در مسائل مختلف میباشد . رهبری مبارزه نه تنها برنامه کار و خط مشی منظمی ننوشت و انتشار نداد ، بلکه هیچ ارزیابی از گذشته حزب دمکرات کردستان ، از کار در گذشته دور و نزدیک ، اختلافات موجود و علل آن ، تاریخچه و کمیته انقلابی ، شرایط و دورنمای مبارزه مسلحانه ، سیاست مشخص نسبت به احزاب مختلف . . . بطوریکه بتواند افلا در خود رهبری وحدت نسبتاً عمیقی بوجود آورد . . . از سوی دیگر سازمان سیاسی که مبارزه بتواند به آن پشت بدهد وجود نداشت . . . رهبری جنبش بطور کلی از لحاظ تئوری ضعیف بود . . . » (صفحه ۳۰) و بطور خلاصه

- ۱- سیاست و خط رهبری روشن نبود و پیوند مسئله طبقاتی با مسئله ملی درک نشده بود .
- ۲- سازماندهی سیاسی خوبی وجود نداشت .
- ۳- استراتژی و تاکتیک صحیح جنگ بیکار برده نمیشد .
- ۴- حزب دمکرات ایران تکه تکه شده و عده ای از رهبران نزد ملا مصطفی باقی مانده بودند .
- ۵- امکان کمک به آن از خارج و نقاط دیگر ایران هنوز وجود نداشت » (صفحه ۲۰-۲۱)

بهای اشتباه را که میردازد و مسئولیت با کیست ؟ از خوانندگان گرامی تقاضا داریم یکبار دیگر این اظهارات را با هم مقایسه کنند . ببینند چه کسانی با چه شیوه ای و با چه سلاحی میخواهند انقلاب ایران را «رهبری» کنند . ببینند که چگونه مشتی ماجراجوی سیاسی به جریانی دامن میزنند و از آن دفاع میکردند و میکنند که بنا به اعتراف خودشان هیچ چیز آن تدارک نشده بوده است .

در این نکته تردیدی نیست که وقایعی مانند «شورش جنوب» و «اقدامات مسلحانه در کردستان» نشانه ای از نارضایتی مردم و تظاهراتی از مبارزه و مقاومت خود بخودی آنهاست و باید با تجلیل مارکسیستی آنرا مورد بررسی و ارزیابی علمی قرار داد و از جنبه های مثبت و منفی آن برای مبارزات آینده درس گرفت .

صحبت بر سر این نیست که کسانی آمادگی خود را برای مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع با ایثار جان خود بنهت رسانده اند .

ما در برابر این شهیدان سر تعظیم فرود می آوریم و خاطره آنان را گرامی داشته ایم و میدانیم . مسئله این نیست که رژیم با بیرحمی و وحشیگری هر گونه مقاومتی بویژه مقاومت مسلحانه را سرکوب میکند . ما همواره این سیاست ضد خلقی رژیم را محکوم کرده ایم . سخن در اینجاست که هر مبارزه ای فداکاری و قربانی میطلبد و احتمال شکست در آن هست . حزب مادر مبارزه تاریخی خود مظهری از فداکاری و جانبازی انقلابیون بوده و متحمل شکست هم شده است .

جان مطلب در اینجاست که این انقلابیون کاغذی با ماجرا جوئی خود ، بدون کمترین تدارک سازمانی و سیاسی و بدون پدید آمدن شرایط عینی و ذهنی انقلابی از یکطرف زندگی عده ای را بر باد میدهند و از طرف دیگر با شکست ماجرای خود زمینه را برای نومیسی و دلسردی فراهم میسازند و بالنتیجه بجای آنکه جنبش انقلابی را به پیش رانند عملاً آنرا به قهقرا میکشاند . اینست آنچه که دردناک و خطرناک است . بهای اشتباه يك مشت ماجراجوی سیاسی را مردم با جان خود می پردازند . اینست آن مسئولیت خطیری که بر دوش این ماجراجویان سیاسی است که ماسک مارکسیسم-لنینیسم بچهره زده اند .

مهم آنستکه باید از تجربیات گذشته درس گرفت ، باید به مارکسیسم-لنینیسم وفادار بود و آنرا با خلاقیت بکار بست . باید اشتباه خود را دید ، به آن اعتراف کرد و در راه تصحیح آن کوشید . ولی چه باید گفت به کسانی که بار سنگین شکست محتم «شورش جنوب» و «مبارزه مسلحانه کردستان» بر دوش آنها سنگینی میکند و باز هم مینویسند «امکان آغاز دوباره مبارزه مسلحانه کاملاً وجود دارد . » (صفحه ۲۱) چه باید نامید کسانی را که معتقدند « این مبارزه اگر در گیرد دارای رهبری متمرکز نخواهد بود . بیشتر قیامهای خود بخودی دسته هائی از دهقانان خواهد بود که دست به تفنگ برده علیه رژیم خواهند زد » (صفحه ۲۱) و باز هم مینویسند « تیغه های طلایی آفتاب پیروزی از دور می درخشد » ؟ (صفحه ۲۸)

ما قضاوت قطعی رابعده خوانندگان گرامی میکنیم .

وظیفه هر انقلابی واقعی است که با مبارزه بر ضد هر گونه انقلابیگری کاذب از طرفی و تسلیم طلبی از طرف دیگر راه دشوار جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلقهای ایران را هموار سازد . فقط در چنین صورتی است که آفتاب پیروزی از دور خواهد درخشید .

م . نوری

هموطنان عزیز !

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیک ایران ، ماهنامه مردم ، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکتوب کنید . نظریات ، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید .

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

دنباله از صفحه ۲

سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر

حزب توده ایران بهبود و توسعه مناسبات میان ایران و شوروی را همواره پاسخگوی منافع حیاتی توده های زحمتکش کشور ما دانسته و میداند . کهکهای بیشاب اقتصادی و فنی اتحاد شوروی با ایران به بر انداختن عقب ماندگی دیرین کشور ما و به رهایی آن از قید استعمار نو که امپریالیست ها تحمل میکنند ، مساعدت مینماید .

حزب ما پیوسته هوا دار فعال توسعه هر چه بیشتر این مناسبات بوده و مبارزه در این راه را وظیفه ملی و انترناسیونالیستی خود میشمارد .

رفقای عزیز !

کامیابیهای هر چه بیشتر شمارا در ساختمان کمونیسم و در مبارزه برای تحقق آرمانهای اکبر بزرگ در سراسر جهان آرزو مندیم . زنده باد پنجاه و سومین سالگرد اکبر بزرگ !

زنده باد حزب کمونیست اتحاد شوروی ! استوار باد دوستی و همبستگی پرولتری میان حزب توده ایران و حزب کمونیست اتحاد شوروی !

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دنباله از صفحه ۴

مهواره خود کار «لونا - ۱۶»

و دیگر ککرات منظومه ما پژوهشهای همه جانبه ای را عملی سازند . تنها پس از آن و در صورت تأمین کلیه شرایط پرواز های کیهانی انسان ، میتوان باین کار دست زد . این مهواره های خودکار ، بنا به تصریح دانشمندان شوروی تنها به کیهان پژوهی نمی پردازند ، بلکه میتوانند به بسیاری از تحقیقات مربوط به زمین ما کمک های گرانبها برسانند .

رؤسای مؤسسات بین المللی فضائی مانند «نازا» (امریکا) «جردل بنک» (انگلستان) «بخوم» (آلمان غربی) و غیره این موفقیت را بمشابه یک هنر نامائی برجسته علمی و فنی ستودند . مردم شوروی بمناسبت پیروزی تازه فضائی نشاط و غرور بحق خود را ضمن نمایش در میدان سرخ نشان دادند .

احزاب و سازمانهای مترقی این کامیابی علم و فن کشور شوروی را تبریک گفتند ، ما نیز با شور تمام باین شاد باشها می پیوندیم و اطمینان داریم که دانش شوروی که در خدمت بشریت و ترقی است در آینده معجزاتی بازهم شگرف تر عرضه خواهد داشت .

۱ . سپهر

شماره حساب بانکی پیک ایران ، ماهنامه

مردم ، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی بشرح زیر تعیین یافته است :

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman

رویداد بی جهان

هفته خونین اردن

«روز پانزدهم سپتامبر بدنبال یکسلسله قتل عامهای فجیع، مقامات ارتجاعی مزدور در اردن حکومت نظامی تروریستی و فاشیستی را بکشور تحمیل کردند. این دولت قانون حکومت نظامی را اعلام نمود و قتل عامهای فجیعی علیه توده های خلق اردن، علیه نیرو های میهنی و مترقی آن و علیه جنبش مقاومت دلیرانه فلسطینی ها سازمان داد. بسیاری از خانه ها با ساکنان آن نابود شدند.»

خبر فوق که مأخوذ از پیام مشترک احزاب کمونیست اردن، سوریه و لبنان است نشان دهنده وضع موحشی است که بویژه طی هفته متعاقب حکومت نظامی ژنرال محمد داود در امان و سایر نواحی اردن حکمفرما بوده است، قرارداد آتش بسی که در نتیجه مساعی رئیس جمهور فقید مصر، جمال عبدالناصر و دیگر زمامداران کشورهای عربی بین یاسر عرفات و ملک حسین امضاء گردید، نه تنها برای حسین که مدعی شده بود در ظرف چند ساعت بر هر گونه مقاومتی غلبه خواهد کرد، بمنزله شکست مسلمی است بلکه نقشه امپریالیست های امریکائی و وابستگان صهیونی آنها را نقش بر آب ساخت. در واقع مقاومت دلیرانه نیروهای فلسطینی و پشتیبانی جندی کشورهای عربی و تمام مردم ترقیخواه جهان از یکسو و هشدار باش بموقع و محکم اتحاد جماهیر شوروی به امریکا از سوی دیگر نقشه سازمان های جاسوسی امریکا را که با تباری بین لوثی براون سفیر جدید امریکا در امان و ملک حسین بمنظور مداخله مسلحانه ایالات متحده و نیروهای اسرائیل ترتیب داده شده بود عقیم ساخت.

در برابر هشدار باش محکم و قاطع اتحاد شوروی نیکسون جرأت نکرد نقشه های تجاوز کارانه خود را عملی سازد و از سیاست «اعراب علیه اعراب» برای پیشبرد مقاصد غارتگرانه و تجاوز کارانه امپریالیسم استفاده نماید. هفته خونین هم برای حسین و هم برای امپریالیستهای امریکائی با عدم موفقیت پایان یافت.

دومین کنگره حزب کمونیست عراق در عراق تشکیل شد. در آغاز دبیر اول حزب کمونیست عراق رفیق «عزیز محمد» به کنگره گزارش داد. کنگره تکامل وضع سیاسی و اجتماعی عراق را در سه سال اخیر تحلیل نمود و از اولیای امور خواست تا در جهت تحکیم وحدت ملی گام بردارند کنگره موافقت خود را با تشکیل کنفرانس کشوری از تمام احزاب میهن پرست و گروه های ملی اعلام نمود، تا این کنفرانس مسئله تشکیل جبهه واحد ملی را مورد مذاکره قرار دهد. کنگره در باره برنامه جدید حزب تصمیم گرفت. رفیق «عزیز محمد» مجدداً بست دبیر اول حزب انتخاب گردید.

ما موفقیت حزب برادر، حزب کمونیست عراق را در پیشبرد هدفهای عالی ترقی خواهانه برای آزادی و استقلال کشور و تأمین زندگی بهتر خلقهای عراق آرزوی کنیم. گزارش مفصل تشکیل دومین کنگره حزب کمونیست عراق را در شماره آینده ماهنامه مردم درج خواهیم نمود.

جعلیات پنتاگون در باره بحران دریای کارائیب تکذیب میشود

روزنامه پرآوا ۳۰ سپتامبر جعلیات مقامات وزارت جنگ امریکا را دایر بر این که گویا اتحاد شوروی در کوبا پایگاه زیر دریائی ساخته است جداً تکذیب نموده می نویسد؛ واشنگتن کارزارهای تبلیغاتی جعلی راه میاندازد بدون آنکه توجهی بعواقب وخیم آن داشته باشد... این شایعات بمنظور آن است که زمینه ای برای انتخابات آینده کنگره که در ماه نوامبر جریان خواهد یافت بسود دستگاه دولتی فراهم کرده افکار عمومی را برای تصویب اعتبارات جنگی آماده سازد.

اعمال سیاست لنینی درباره چین

بمناسبت بیست و یکمین سال تشکیل جمهوری توده ای چین روزنامه ایزوستیا مینویسد که حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی همواره سیاست اصولی و روش خود را در مورد مناسبات با چین تعقیب میکنند. این سیاست مبتنی است بر دوستی و ایجاد مناسبات حسن همجواری با چین و از بین بردن کلیه مسائلی که موجب تیرگی روابط بین دو دولت میشود. سپس روزنامه ایزوستیا تحریکات امپریالیستها و نیروهای را که هوادار تشدید و خامت در روابط بین دو کشور هستند فاش میسازد.

نشریات حزب توده ایران در فستیوال روزنامه «اونیتا»

از روز ۹ تا ۱۳ سپتامبر فستیوال بزرگ روزنامه «اونیتا» ارگان حزب کمونیست ایتالیا در فلورانس برگزار شد. در این فستیوال صدها هزار نفر شرکت کردند. فدراسیون دانشجویان ایرانی در ایتالیا در غرفه ای که به ایران اختصاص داده شده بود، با عکسها و پلاکتهائی در باره زندگی مردم ایران شرکت کنندگان در فستیوال را با ایران آشنا میکرد.

حزب کمونیست ایتالیا در غرفه های کتاب، نشریات حزب توده ایران را در معرض تماشای شرکت کنندگان گنجانده بود. این نشریات بویژه مورد توجه ایرانیان شرکت کننده در فستیوال قرار گرفت.

بیکار

نشریه حزب توده ایران برای دانشجویان بزودی منتشر میشود

نمایش زندگی و مبارزه مردم ایران در غرفه «ماهنامه مردم»

چشم سالانه روزنامه «اومانیت» ارگان حزب کمونیست فرانسه در روزهای ۱۱ و ۱۲ سپتامبر در پاریس بر پا بود. جشن امسال که با صدمین سال تولدنین بزرگ و پنجاهمین سال تأسیس حزب کمونیست فرانسه مصادف بود، شکوه و جاذبه بیشتری داشت. «ماهنامه مردم» بنا بر سنت پیشین برای آشنا ساختن مردم فرانسه با زندگی و مبارزه مردم ایران با تشکیل غرفه ای در این جشن بزرگ شرکت نمود. غرفه «مردم» با پرچم ایران تزئین شده



های برادرانه کمونیستهای فرانسه در آینده نیز مطمئن ساخت.

تسلیمیت



با نهایت تأسف اطلاع یافتیم که رفیق مهندس رستم داخسته پس از یک بیماری طولانی در سن شصت و سه سالگی در بیمارستان شهر دوشنبه درگذشته است. رفیق داخسته از آغاز تأسیس حزب توده ایران و شورای اتحادیه در این سازمانها شرکت داشته و مدتی مسئول این سازمانها در بندر شاه بوده است. وی تا آخرین نفس به آرمان حزب و سوسیالیسم وفادار بود. ما در گذشت رفیق داخسته را به همسر و فرزندان ایشان صمیمانه تسلیت میگوئیم.

بود. تابلو هائی که توسط یک هنرمند جوان و با ذوق ایرانی تهیه شده بود، توجه بازدید کنندگان را جلب میکرد. یکی از این تابلو ها «کاسک فاشیسم» بود که وجود ترور و اختناق را در ایران نشان میداد. مبارزه پیگیر مردم علیه پیدادگری رژیم، با تابلوی دیگری که مشت برافراشته ای را از میان پرچمها نشان میداد تصویر شده بود. تابلوی سوم گسستن زنجیرها را نشان میداد که نمودار پیروزی بی تردید مردم در مبارزه بغاطر آزادی و استقلال بود.

در بالای غرفه شعار زنده باد پنجاهمین سال تأسیس حزب کمونیست ایران بچشم میخورد و در سمت دیگر شعارهای زیرین دیده میشد. حزب توده ایران:

— علیه تضییقات تبهکارانه رژیم اعتراض میکند؛
— عنایت خود را می طلبد و خواستار آزادی های سیاسی و سندیکائی است؛
— از کمونیستها و دموکراتهای فرانسه میخواهد تا برای آزادی حزب توده ایران کارزار تبلیغاتی انجام دهند؛

به حزب کمونیست فرانسه بمناسبت پنجاهمین سالگردش درود میفرستد و از کمکهای برادرانه آن سپاسگزار است.

در غرفه ماهنامه مردم که مورد بازدید عده کثیری قرار گرفت، تاریخچه مختصر فعالیت حزب توده ایران بزبان فرانسه بین بازدید کنندگان فرانسوی بخش گردید و مطبوعات و انتشارات حزب توده ایران بزبان های فارسی و آذربایجانی به بازدید کنندگان